

کتاب دانیال — ایک سو تینتالیس نمبر

آشکار سازی الگوهای نبوتی: آخرین رئیس جمهور و تصویر وحش

Jeff Pippenger

2024-03-18

نخستین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، بابل بود، و در شهادت نبوی بابل، نخستین و آخرین پادشاهان به طور مشخص و عامدانه به عنوان نمادهای نبوی به کار گرفته شدند. در دومین پادشاهی، یعنی ماد و پارس، دو پادشاه نخستین—که یکی از ایشان همان پادشاهی بود که نخستین سه فرمان را صادر کرد که به اسرائیل باستان اجازه می داد به اورشلیم بازگردد—و نیز دو پادشاه بعدی که فرمان های دوم و سوم را صادر کردند، به طور مشخص معرفی شدند. همچنین، پادشاه نیرومندی که به وسیله اسکندر کبیر نمایندگی می شود، و سرداران و پادشاهانی که در تاریخ سومین پادشاهی، یعنی یونان، پس از او آمدند، در کلام نبوی شناسایی شدند. چهارمین پادشاهی، یعنی روم بت پرست، نیز به طور مشخص به حاکمان و امپراتوران آن پادشاهی می پردازد.

تمامی پادشاهان اسرائیل، چه در پادشاهی شمالی و چه در پادشاهی جنوبی، شناسایی شده اند، و همگی در کلام نبوی خدا نمادهایی به شمار می آیند؛ همان گونه که پادشاهان آشور و فراعنه مصر نیز چنین اند. این اندیشه که کلام نبوی خدا در واقع رؤسای جمهور ایالات متحده را مورد خطاب قرار دهد، ممکن است برای کسانی که چشم دارند اما ادراک نمی کنند، و گوش دارند اما فهم نمی نمایند، دور از ذهن به نظر آید. اما در حقیقت، این که تصور شود خدا رؤسای جمهور وحش زمین در مکاشفه سیزده را مورد خطاب قرار ندهد، بسی نامعقول تر است، حال آن که آن، مرجع اصلی نبوت های ایام آخر است.

آخرین رئیس جمهور ایالات متحده بنا بر ضرورت نبوی می بایست به وسیله نخستین رئیس جمهور ایالات متحده متمثل گردد. به عنوان آخرین رئیس جمهور جمهوری خواه، او نیز بنا بر ضرورت نبوی می بایست به وسیله نخستین رئیس جمهور جمهوری خواه متمثل گردد. به عنوان آخرین رئیس جمهور در تاریخ آخرین جنبش اصلاحی، او همچنین به وسیله نخستین رئیس جمهور آن دوره نبوی متمثل شده است. و به عنوان رئیس جمهوری که در طی جنگ جهانی نهایی و سوم حکومت می کرد، او همچنین می بایست به وسیله رئیس جمهورانی متمثل شده باشد که در طی جنگ های جهانی اول و دوم حکومت می کردند.

سه جنگ جهانی که همگی در تاریخ آمریکا رخ می دهند، بیانگر تحقق سه گانه نبوت اند. جنگ جهانی سوم، که جو بایدن اکنون کره زمین را به سوی آن هدایت می کند، به وسیله جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم از پیش تمثیل شده است. هم زمان، بایدن ایالات متحده را نیز به سوی دومین جنگ داخلی رهنمون می شود. در ماه های پیش رو، تحرکات نبوی مرتبط با جنگ داخلی دوم و جنگ جهانی سوم، همچون زنی در حال درد زایمان، فقط شدت خواهد گرفت.

نقل قول مشهور از دوران تشدید بحران جنگ جهانی دوم، از مارتین نيمولر، الاهی دان آلمانی و شبان لوتری، چنین بود: «نخست، به سراغ سوسیالیست ها آمدند و من سخنی نگفتم—زیرا سوسیالیست نبودم. سپس به سراغ اتحادیه گرایان آمدند و من سخنی نگفتم—زیرا عضو اتحادیه نبودم. سپس به سراغ یهودیان آمدند و من سخنی نگفتم—زیرا یهودی نبودم. سپس به سراغ من آمدند—و دیگر هیچ کس نمانده بود که برای من سخن بگوید.» با ادامه یافتن گذر زمان، به این تاریخ کنونی باز خواهیم نگرست و در خواهیم یافت که اقداماتی که اکنون در حال وقوع اند، در حقیقت گام های آغازین جنگ های نهایی تاریخ نبوی بوده اند.

در دوره نبوی نمایان شده از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸، که در آن اعلامیه استقلال، قانون اساسی، و قوانین بیگانگان و فتنه نشانه‌های راه بودند، تاریخ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا زمانی که ایالات متحده همچون اژدها سخن بگوید، به تصویر کشیده شده است. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی بود، و اعلامیه استقلال با آن تاریخ هم‌راستا است. اعلامیه استقلال همچنین آغاز جنگ انقلاب را مشخص می‌کند، و نشان می‌دهد که قانون میهن‌پرستی ۲۰۰۱ آغازگر تکراری روحانی از آن جنگ است. واژه «انقلاب» به معنای پیمودن یک دایره کامل است.

در دوره ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸، جنگ انقلاب، قدرت پادشاهی انگلستان و به‌طور کلی همه پادشاهان را مردود شمرد. قانون اساسی نه تنها بر قدرت پادشاهی محدودیت‌هایی نهاد، بلکه به همان اندازه قاطعانه بر قدرت پاپی نیز محدودیت اعمال کرد. تا سال ۱۷۹۸، این دایره (انقلاب) با وضع قوانینی که اقتدار پادشاهانه را به یک رئیس‌جمهور واگذار می‌کرد، تکمیل شده بود.

قانون پاتریوت نشانه یک انقلاب (چرخ) است که تا وحش زمین که چون اژدها سخن می‌گوید امتداد می‌یابد، جایی که قدرت پاپی نیز احیا می‌شود. چرخ نخست، از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸، انقلابی نبوی را مشخص می‌سازد که به احیای قدرت پادشاهی منتهی می‌شود، و انقلابی که نمونه آن است، انقلابی را مشخص می‌کند که به احیای قدرت پاپی می‌انجامد. دومین جنگ انقلابی از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در جریان بوده است. وگرنه چرا باید آن را قانون پاتریوت بنامند؟

پیش از آن که به جنگ‌هایی بپردازیم که در تاریخ آخرین رئیس‌جمهور رخ می‌دهند، به بررسی ویژگی‌های نبوی تصویر وحش ادامه خواهیم داد. مهم است که محیطی را که در جریان شکل‌گیری تصویر وحش، در دوران آخرین رئیس‌جمهور، وجود دارد، بشناسیم. آن رئیس‌جمهور باید رئیس‌جمهوری جمهوری خواه باشد که در کشمکش با نیروهای مرتبط با قدرت اژدها قرار دارد. او باید آخرین باشد، و از این رو هشتمین رئیس‌جمهور در دوره‌ای متشکل از هشت رئیس‌جمهور باشد. در دو دوره آغازین ایالات متحده، یعنی دو کنگره قاره‌ای، هر دو دوره با هشت رئیس‌جمهور نمایانده شدند، و هر دو دوره یکی از آن هشت رئیس‌جمهور را به‌عنوان کسی که از آن هفت است، مشخص ساختند. بنابراین، بر شهادت دو شاهد در آغاز، آخرین رئیس‌جمهور باید هشتمین رئیس‌جمهور باشد، یعنی آن که از آن هفت است.

فقط دونالد ترامب یحقیق هذه العناصر النبوية. ولكي يفهم فهمًا كاملاً المناخ النبوي الذي أوشك دونالد ترامب أن يرثه، فمن الضروري أن يفهم أن الحربين العالميتين الأولى والثانية تتمثلان نبويًا في الحرب العالمية الثالثة، وأن الخصائص النبوية لتلك الحروب تتحدث أيضًا عن المناخ الذي أوشك ترامب أن يرثه. ومع قول ذلك، فإننا لا نزال لم نطبق بعد التطبيق الثلاثي للحروب العالمية الثلاث.

جنگ شدت‌گیر که به واسطه اسلام به وجود آمده است و مشکلات مالی ناشی از آن، وسیله‌ای است که به واسطه آن، اسلام وای سوم نقش نبی کاذب را در شکل‌گیری صورت وحش در ایالات متحده آمریکا ایفا می‌کند. «اللاغ» که نبی کاذب اسلام است، نبی کاذب ایالات متحده آمریکا را به «اورشلیم» حمل می‌کند، همان‌گونه که اللاغ، مسیح را به اورشلیم حمل کرد. در آن سفر، محیطی نبوی پدید می‌آید که تحقق‌های پیش‌گویی‌های گذشته را تولید می‌کند. در سال ۱۷۹۸، قوانین بیگانگان و فتنه به همان آغاز تاریخ وحش زمینی که به صورت بره آغاز می‌کرد و در پایان همچون اژدها سخن می‌گفت، «تکلم» شدند. چهار قانون در قوانین بیگانگان و فتنه نمایان شده بود.

قانون شهریت: اس قانون نے امریکی شہریت کے لیے رہائش کی لازم مدت میں اضافہ کر دیا.

قانون دوستان بیگانه: این قانون به رئیس‌جمهور اختیار می‌داد که در زمان صلح، اتباع غیرشهروندی را که «برای صلح و امنیت ایالات متحده خطرناک» تشخیص داده می‌شدند، اخراج کند. این قانون به

دولت اجازہ می داد کہ اتباع خارجی را بدون طی تشریفات قانونی لازم بازداشت و اخراج کند.

قانون دشمنان بیگانه: این قانون به رئیس جمهور اختیار می داد کہ در زمان جنگ، ہر مرد تبعہ یک ملت متخاصم را بازداشت و اخراج کند.

د قانون د بغاوت: د دغو څلورو قوانینو له ډلې تر ټولو لانجمن قانون همدا و؛ د دې قانون له مخې د متحده ایالاتو د حکومت یا د هغه د چارواکو پر ضد د درواغجنو، افتراکوونکو، یا کینه اچوونکو لیکنو خپرول جرم بلل کېدل. په عملي توګه یې د حکومت نیوکه جرم ګڼه کړه.

دونالد ترامپ کی انتخابی مهم بڑی حد تک اُس کے اس وعدے پر مبنی ہے کہ وہ "دیوار کی تعمیر" کو مکمل کرے گا، جس کا آغاز اُس نے اپنی سابقہ صدارتی مدت میں کیا تھا۔ اُس نے بیان کیا ہے کہ 2024 میں اُس کے منتخب ہونے پر انسانی تاریخ کی سب سے بڑی بے دخلی عمل میں آئے گی۔ امریکی سیاست کے منظر نامے میں ٹرمپ کی ایک ذاتی خصوصیت ایسی ہے جو کسی اور سیاست دان میں نہیں پائی جاتی۔ وہ اپنے انتخابی وعدوں کو پورا کرتا ہے، یا کم از کم انہیں پورا کرنے کی کوشش کرتا ہے۔ ایلین اینڈ سیڈیشن ایکٹس ایسے قوانین کی نمائندگی کرتے ہیں جو بے دخلی کے اُس کے وعدے کے ساتھ کامل مطابقت رکھتے ہیں۔

د ټرمپ له تر ټولو سترو تورونو څخه یو، چې له هغه ټینګریښې لرونکي سیاسي جوړښت سره تړاو لري چې په واشنګټن ډي سي کې یې ورته د «باتلاق» نوم ورکاوه—له خپلو ټولو فاسدو، بې اخلاقه او جوړجاړي کړو سیاستوالو، مسلکي بیروکراتانو، الفبایي ادارو او میلیاردره تمویلوونکو سره—همدا «جعلی خبرونه» دي چې د ه ټلر د رایش د عامه پوهاوي او تبلیغاتو د وزارت په معاصر ظهور کې تولیديږي، او چې نن ورځ ورته MSM، Mainstream Media، ویل کېږي. د بهرنیانو او بغاوت قوانین داسې قوانین څرګندوي چې د «جعلی خبرونو» پر وړاندې د هغه له کرکې سره په بشپړه توګه سمون لري. عیسی تل د یو شي پای د هغه شي له پیل سره انځوروي.

बुकेनन डेमोक्रेट पूर्ववर्ती के लेकिन जसै, पड़ा करना सामना का गृहयुद्ध उस को राष्ट्रपति रिपब्लिकन प्रथम हैबयिस दिया। कर नलिंबति को अधिकार के कॉर्पस हैबयिस ने लेकिन, हुए करते ऐसा था। किया उत्पन्न ने अपनी वह द्वारा जिसके है करता रक्षा की अधिकार उस के व्यक्ति किसी जो है सदिधांत वधिकि एक कॉर्पस सुनिश्चति यह जो, है अधिकार वधिकि मौलिकि एक यह है। सकता दे चुनौती में न्यायालय को कारावास या हरिसत नरिद्ध किसी जब सकता। जा रखा नहीं में अभरिक्षा के कारण वधिसिम्मत बनिा को व्यक्ति किसी कहै करता वह कहै करती अपेक्षति यह को सरकार वह तो, है जाती की दायर रटि की कॉर्पस हैबयिस से ओर की व्यक्ति करे। प्रस्तुत औचित्य का हरिसत उसकी समक्ष के न्यायालय

در جریان جنگ داخلی آمریکا، لینکلن به عنوان اقدامی در زمان جنگ، حق دادخواست هابیاس کورپوس را در برخی مناطق ایالات متحده به حالت تعلیق درآورد. او نخست در آوریل ۱۸۶۱ هابیاس کورپوس را در مریلند معلق کرد و سپس این تعلیق را به بخش هایی از غرب میانه گسترش داد. این اقدام برای حفظ نظم و سرکوب مخالفت در مناطقی صورت گرفت که در آن ها گرایش نیرومند جدایی طلبانه یا همدلی با مؤتلفه (دموکرات ها) وجود داشت، و نیز برای جلوگیری از اخلال در تلاش جنگی اتحادیه.

تعلیق حقّ احضار شخصی لینکلن محلّ مناقشه بود و پرسش های مهمی در باب قانون اساسی برانگیخت، زیرا متضمن تعلیق موقت یکی از آزادی های بنیادین مدنی تضمین شده به موجب قانون اساسی ایالات متحده بود. قانون اساسی اجازه می دهد که فرمان احضار شخصی «در موارد شورش یا تهاجم، هرگاه امنیت عمومی آن را اقتضا کند» معلق شود (ماده اول، بخش ۹).

لینکلن نے اپنے اقدامات کا دفاع اس حیثیت سے کیا کہ وہ جنگ کے زمانے میں اتحاد کے تحفظ اور قومی سلامتی کے لیے ضروری تھے۔ کانگریس نے 1863 میں ہیبیئس کارپس معطلی ایکٹ منظور کیا، جس نے

پس منظر سے مؤثر ہوتے ہوئے لینکن کی جانب سے پیبیئس کارپس کی معطلی کو قانونی جواز فراہم کیا اور فوجی حراست کے لیے بعض طریقہ کار مقرر کیے۔ خانہ جنگی کے خاتمے اور ملک کے دوبارہ حالت امن میں لوٹ آنے کے بعد کے برسوں میں پیبیئس کارپس بتدریج بحال کر دیا گیا۔

در سال ۱۸۷۱، رئیس‌جمهور اولیس اس. گرانت (جمهوری‌خواه) نیز در دوران بازسازی، در جریان حاکمیت وحشت کوکلاکس کلان (دموکرات‌ها)، حق احضار به دادگاه را در نه شهرستان کارولینای جنوبی به حالت تعلیق درآورد. این تعلیق با هدف مقابله با خشونت و حمایت از حقوق مدنی آمریکاییان آفریقایی‌تبار تازه‌آزادشده اعمال شد.

در سال ۱۹۴۲، رئیس‌جمهور فرانکلین دی. روزولت (از حزب دموکرات)، در خلال جنگ جهانی دوم، فرمان اجرایی ۹۰۶۶ را امضا کرد که جابه‌جایی اجباری و بازداشت در اردوگاه‌های توقیف آمریکاییان ژاپنی‌تبار ساکن ساحل غربی را مجاز می‌ساخت. هرچند این اقدام از نظر فنی به تعلیق حق احضار به دادگاه (corpus) corpus منجر نشد، به بازداشت آمریکاییان ژاپنی‌تبار بدون طی تشریفات قانونی انجامید، و حقوق قانونی آنان به شدت مخدوش شد.

Luego, en 2001, Bush el último (un republicano globalista), tras los atentados terroristas del 11 de septiembre, autorizó la detención de presuntos combatientes enemigos en la Bahía de Guantánamo y en otras instalaciones. La detención de estas personas y su estatus jurídico se convirtieron en objeto de impugnaciones legales relacionadas con el habeas corpus

سپس در سال ۲۰۲۱، محاکمات ششم ژانویه پلوسی (یک دموکرات)، مفهوم تعلیق habeas corpus، سلب دادرسی قانونی، و اجرای بازداشت دسته‌جمعی مغایر با قانون اساسی را ادامه داد. محاکمات پلوسی در سال ۲۰۲۱ از این جهت ممتاز بود که نخستین بار حقوق قانونی شهروندان آمریکایی صرفاً برای مقاصد سیاسی کنار گذاشته شد. در هر نوبت دیگر، جنگ یا شورش واقعی وجود داشت که اتباع مشخص دشمن را معین می‌کرد. دشمنان در محاکمات پلوسی صرفاً دشمنان جهانی‌گرایان الهام‌گرفته از اژدها بودند. مهم است که روند نبوی مسائل مرتبط با واژگون‌ساختن قانون اساسی را تشخیص دهیم، زیرا اینها همان رویدادهایی هستند که شکل‌گیری صورت وحش را مشخص می‌کنند، و این همان آزمون عظیم برای قوم خداست.

مهم نیست که پلوسی قهرمان شما باشد، یا ترامپ پهلوان شما؛ مهم آن است که بحران در حال نزدیک‌شدن را تشخیص دهید و آمادگی درست را فراهم سازید. آنان که در بحران آینده غالب خواهند آمد، شهروندان اورشلیم آسمانی‌اند، و همه قدرت‌هایی که از شریعت خدا مرتد شده‌اند، در آستانه متحد شدن‌اند، همان‌گونه که صدوقیان (دموکرات‌ها) و فریسیان (جمهوری‌خواهان) بر ضد فرزندان امین خدا متحد شدند، آنگاه که تصویر وحش در حال شکل‌گیری است.

کار فریب، خواه به وسیله پیامبر کاذب اسلام در ایالات متحده و خواه به وسیله پروتستانیسم مرتد در جهان، همان چیزی است که اتحاد کلیسا و دولت را پدید می‌آورد. خواهر وایت تصریح می‌کند که جنگ داخلی دیگری در پیش خواهد بود، و اینکه این جنگ به وسیله بانکداران جهانی و میلیاردرها برانگیخته خواهد شد؛ همانان که بازرگانان بابل نوین‌اند و از نظر نبوی، نیمی از نمایندگان قدرت‌های اژدها را تشکیل می‌دهند. نیمه دیگر نیز سیاستمداران حرفه‌ای، وکلا، پادشاهان، و حاکمان‌اند.

در هند، چین، روسیه و شهرهای آمریکا، هزاران مرد و زن از گرسنگی جان می‌سپارند. مردان ثروتمند، زیرا قدرت را در دست دارند، بازار را کنترل می‌کنند. آنان هرچه را بتوانند به بهای اندک خریداری می‌کنند، و سپس آن را با قیمت‌هایی بسیار افزایش یافته می‌فروشند. این برای طبقات

جنگ انقلاب ایک حقیقی جنگ تھی، لیکن وہ ایک سیاسی جنگ کی نمائندگی کرتی تھی جس کا آغاز 11 ستمبر 2001 کو ہوا۔ ریاستہائے متحدہ اب دو سیاسی جماعتوں کے درمیان منقسم ایک قوم ہے، لیکن خدا کا کلام کبھی ناکام نہیں ہوتا، اور اُس کا کلام واضح کرتا ہے کہ ٹرمپ 2024 کے انتخابات میں دوبارہ منتخب ہوگا۔ ایک خانہ جنگی، جو عملاً ہر لحاظ سے پہلے ہی شروع کی جا چکی ہے، اُس کے انتخاب کے کچھ ہی عرصہ بعد پوری شدت کے ساتھ شروع ہوگی، جیسا کہ لنکن کے ساتھ ہوا تھا، جو پہلے ریپبلکن صدر تھے۔ اُس خانہ جنگی کی بنیادی منطق، جس کا وہ وارث ہوگا، عالمی بینکاروں اور ارب پتی تاجروں کے ذریعے پیدا کی جائے گی، جنہوں نے، دیگر امور کے ساتھ، پوری دنیا میں بے قابو اجتماعی ہجرت کے دروازے کھولنے کے لیے مسلسل کام کیا ہے، تاکہ زیادہ مالی منافع کی اپنی خواہش کو ہوا دیں، اور اس سے بھی بڑھ کر، متوسط طبقے کا خاتمہ کریں۔ بابل کے تاجر ایک ایسے دو طبقاتی نظام کو فروغ دینا چاہتے ہیں جس میں ایک طرف انتہائی امیر اور دوسری طرف انتہائی غریب ہوں۔

ترامپ آن رئیس جمہوری خواہد بود کہ بر برپایی تصویر وحش ریاست خواہد کرد، و این نبی کاذب اسلام خواہد بود کہ آن تصویر را وادار به برپا شدن خواہد ساخت؛ و برای آنان کہ چشم دارند و می توانند ادراک کنند، و گوش دارند و می توانند بفہمند، حملہ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ اسلام، از وای سوم، بر اسرائیل تحت اللفظی، آن سرزمین باشکوہ باستانی، تحقق آشکار کار مشیت آمیز نبی کاذب اسلام است۔

حزب دموکرات، کہ خود را بہ عنوان حزب «تنوع، برابری و شمول» برمی افرازد، اکنون ثمرات فلسفہ شیطانی ای را کہ ترویج کرد، درو می کند۔ از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مجادلہ ضد اسرائیل در برابر حامی اسرائیل، توان سیاسی حزب آنان را در آستانہ انتخابات ۲۰۲۴ دچار شکاف کردہ است۔ این انقسام، درگیری های درونی میان پیروان ایشان پدید آورده است، تا بدان حد کہ ماشین های رأی گیری الکترونیکی فاسد آنان شاید دیگر توانایی دست کاری آرای کافی را نداشته باشند تا بر آرای واقعی ای کہ بہ سود ترامپ بہ صندوق ریختہ خواہد شد غلبہ کنند۔ جنگ نبی کاذب اسلام، اوضاع و احوالی پدید می آورد کہ ترامپ را بہ عنوان ہشتمین رئیس جمہور، کہ از آن ہفت است، از زمان آخر در ۱۹۸۹، برمی گزیند، در حالی کہ وحش زمین، صورتی برای وحش دریا می سازد۔

فلسفہ شیطانی «تنوع، برابری و شمول» یکی از سکوها برای تکثیر عصیان سدوم و عمورہ از طریق پیشبرد دستور کار LGBTQ+ است۔

بہ ہمین سان نیز چنان کہ در ایام لوط بود: می خوردند، می نوشیدند، می خریدند، می فروختند، می کاشتند، بنا می کردند؛ اما در همان روز کہ لوط از سدوم بیرون رفت، آتش و گوگرد از آسمان بارید و ہمہ ایشان را ہلاک ساخت۔ همچنین در روزی کہ پسر انسان ظاہر شود، چنین خواہد بود۔ لوقا 17:28-30۔

برنامہ LGBTQ+ همچنین بہ صورت «افتخار ہمجنس گرایان» نیز نمود می یابد و از این رو، سقوط نہایی اخلاقی وحش زمینی و پس از آن، جہان را رقم می زند۔

شاهراہ راستان، دوری جستن از شرّ است؛ و آن کہ طریق خویش را نگاہ می دارد، جان خود را حفظ می کند۔ تکبر پیش از ہلاکت می آید، و روح متکبر پیش از سقوط۔ بہتر آن است کہ با فروتنان، صاحب روحی متواضع باشی، تا آن کہ غنیمت را با متکبران تقسیم کنی۔ امثال 16:17-19۔

تکبر پیش از سقوط می آید و تکبر پیش از ہلاکت نیز می آید۔ ارتداد ملی، نابودی ملی را پدید می آورد، و نماد غرور جہانی گرایانہ، همان نماد شورش سدوم و عمورہ است۔ الہام، قانون یکشنبہ ای را کہ

به زودی خواهد آمد، با نجات جان به در بردن لوط از نابودی سدوم و عموره و شهرهای دشت همسو می‌سازد، زیرا این فرزندان لوطاند (عمون و موآب) که نماد کسانی هستند که در هنگام قانون یکشنبه از دست پاپیت می‌گریزند.

او همچنین به سرزمین جلال داخل خواهد شد، و بسیاری از کشورها سرنگون خواهند شد؛ اما اینان از دست او رهایی خواهند یافت: یعنی ادوم، و موآب، و برگزیدگان بنی‌عمون. دانیال ۱۱:۴۱.

حزب دموکرات اکنون به دست خود در حال فروپاشی است. من اعتنایی به سیاست ندارم؛ من صرفاً تاریخ جاری را با روایت نبوی منطبق می‌سازم. حزب دموکرات بی‌وقفه کوشیده است تا مرزها را در سراسر جهان بگشاید و بدین‌سان سیلی بی‌سابقه و مهارنشده از مردم را امکان‌پذیر سازد. سیلاب‌بندها در سراسر سیاره به دست جهانی‌گرایان الهام‌گرفته از اژدها گشوده شده‌اند.

اور سانپ نے اپنے منہ سے عورت کے پیچھے پانی کو سیلاب کی مانند بہا دیا، تاکہ وہ اسے سیلاب میں بہا لے جائے۔ مگر زمین نے عورت کی مدد کی، اور زمین نے اپنا منہ کھولا اور اس سیلاب کو نگل لیا جو اژدہا نے اپنے منہ سے بہایا تھا۔ اور اژدہا عورت پر غضب ناک ہوا، اور اس کی نسل کے باقی ماندہ لوگوں سے جنگ کرنے کو گیا، جو خدا کے احکام پر عمل کرتے ہیں اور یسوع مسیح کی گواہی رکھتے ہیں۔ مکاشفہ 12:15-17.

«باقی‌مانده» همان صد و چهل و چهار هزار نفر است، و تاریخ این صد و چهل و چهار هزار، همان تاریخی است که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. از آن زمان، قدرت اژدها «از دهان خود آبی چون سیل» به همه سو روان ساخته است. آب نماینده مردم است.

اور اُس نے مجھ سے کہا، وہ پانی جو تُو نے دیکھا، جہاں وہ کسبی بیٹھی ہے، وہ قومیں اور ہجوم اور امتیں اور زبانیں ہیں۔ مکاشفہ 17:15.

نمایندگان زمینی قدرت اژدها (جهانی‌گرایان) هستند که در زمان مہرشدن صد و چهل و چهار هزار، سیلاب‌بندہای مہاجرت غیرقانونی را می‌گشایند. «سیلاب‌ها»ی اژدها در سراسر جهان نشان می‌دهند که خداوند در آستانہ برافراشتن علم است، در قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد. سیلاب‌های اژدها در مکاشفہ باب دوازدهم، در آغاز ایالات متحدہ به وسیلہ حیوان زمین بلعیدہ شدند؛ اما اکنون سیلاب‌های اژدها بازگشتہ‌اند، و بدین‌سان ہشدار از بحران قریب‌الوقوع قانون یکشنبه را فراہم می‌آورند؛ زیرا هنگامی که دشمن چون سیل درمی‌آید، خدا معیار خود را برافراشتہ می‌سازد.

در نافرمانی و دروغ گفتن بر ضد خداوند، و دور شدن از خدای خود، سخن گفتن از ظلم و عسیان، و از دل، سخنان دروغ را اندیشیدن و بر زبان آوردن. و داوری به عقب رانده شده است، و عدالت دور ایستاده است؛ زیرا راستی در کوچه‌ها فرو افتاده، و انصاف نمی‌تواند داخل شود. آری، راستی نابود شده است؛ و آن که از بدی کناره می‌گیرد، خود را طعمه می‌سازد؛ و خداوند این را دید، و در نظر او ناپسند آمد که داوری نبود. و دید که هیچ‌کس نیست، و در شگفت شد که هیچ شفيعی وجود ندارد؛ پس بازوی او نجات را برای وی به ارمغان آورد، و عدالت او، او را استوار ساخت. زیرا عدالت را چون زره بر تن کرد، و خود نجات را چون کلاه‌خود بر سر نهاد؛ و جامه‌های انتقام را برای پوشش در بر کرد، و غیرت را چون ردایی بر خود پوشید. موافق اعمال ایشان، همان‌گونه جزا خواهد داد، خشم را به خصمان خود، و مکافات را به دشمنان خویش؛ به جزایر نیز مکافات خواهد رسانید. پس از مغرب از نام خداوند خواهند ترسید، و از محل طلوع آفتاب از جلال او. هنگامی که دشمن چون سیلابی هجوم آورد، روح خداوند علمی در برابر او برافرازد. و ولی‌فدیه به صهیون خواهد آمد، و نزد آنان که در یعقوب از نافرمانی باز می‌گردند، خداوند می‌فرماید. و خداوند می‌گوید: اما عهد من با ایشان این است: روح من که بر توست، و سخنان من که در دهان تو نهاده‌ام، از دهان تو، و از دهان ذریت تو، و از دهان ذریت تو، خداوند می‌گوید، از اکنون و تا

ابدالآباد برطرف نخواهد شد. اشعیا 59:13-21.

استانداردی که هنگامی برافراشته می‌شود که دشمن چون سیلاب هجوم می‌آورد، همان رایت است که در کلام خدا نیز معیار به‌شمار می‌آید. در دوره‌ای که پیش از قانون یکشنبه قریب‌الوقوع فرا می‌رسد، سیلاب‌های مهاجرت غیرقانونی نشانه‌ای است از این که زمان آزمایش در آستانه بسته شدن است. فضایی که اشعیا هنگامی که از برافراشته شدن استاندارد سخن می‌گوید معرفی می‌کند، دوره‌ای از بی‌قانونی را توصیف می‌کند، زیرا می‌گوید: «و انصاف به عقب رانده شده است، و عدالت از دور ایستاده است؛ زیرا راستی در کوچه افتاده است، و راستی نمی‌تواند داخل شود. آری، راستی نابود شده است؛ و هر که از بدی کناره گیرد، خود را شکار می‌سازد؛ و خداوند این را دید، و در نظرش ناپسند آمد که انصافی نبود. و دید که کسی نیست، و تعجب نمود که شفיעی وجود ندارد.» هرج و مرجی که به وسیله مردانی همچون George Soros تأمین مالی شده، و از سوی سیاستمداران دموکرات نادیده انگاشته شده است، به درستی توسط Sister White در ارتباط با این بخش از اشعیا توصیف شده است.

«محاکم عدالت فاسد شده‌اند. حاکمان به انگیزه سودجویی و عشق به لذت‌های نفسانی به حرکت درمی‌آیند. بی‌اعتدالی، قوای بسیاری را چنان تیره ساخته است که شیطان تقریباً به طور کامل بر آنان تسلط دارد. حقوقدانان منحرف، رشوه‌گیر و فریب‌خورده‌اند. می‌گساری و عیش و نوش، شهوت، حسد، و هرگونه ناراستی، در میان کسانی که قوانین را اجرا می‌کنند، دیده می‌شود.» و عدالت دور ایستاده است، زیرا راستی در کوچه‌ها افتاده، و انصاف نمی‌تواند داخل شود.» اشعیا 59:14. نبرد عظیم، 586.

غیر قانونی هجرت، انارکی پسند تحریکی جیسے اینٹیفا (فاشزم مخالف)، اور پُرتشدد تحریکی جیسے بلیک لائیوز میٹر، جو کریٹیکل ریس تھیوری جیسی مسخ شدہ تاریخی بیانیے پر مبنی ہیں، اڑدے کے سیاسی حکمرانوں کی حمایت اور ترویج پاتی رہی ہیں، جو زر کی محبت سے محرک رہے ہیں، اور فاسد عدالتوں اور قانون دانوں نے سچائی کو اسی گلی میں پھینک دیا ہے جہاں مکاشفہ کے گیارہویں باب میں دو گواہ قتل کیے گئے تھے۔ وہ گلی الحاد (مصر) اور بدکاری (سدوم) کے شہر میں تھی، جو اڑدے اور اس کے نمائندوں کا شہر ہے۔ ڈیموکریٹک پارٹی کے پھلوں سے ظاہر ہونے والا ماحول نیوٹا سیلاب کے طور پر پیش کیا گیا ہے، اور جب شیطان، خدا کے دشمن کے طور پر، اپنے سیلاب کے بند کھولتا ہے تو یہ اس بات کا ثبوت ہے کہ خدا کا جھنڈا عنقریب بلند کیا جائے والا ہے۔

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

حالتِ امورِ جهان نشان می‌دهد که زمان‌های پر آشوب درست بر ما فرار سیده است. روزنامه‌های روزانه مملو از نشانه‌های یک درگیری هولناک در آینده‌ای نزدیک‌اند. راهزنی‌های جسورانه به کرات رخ می‌دهد. اعتصاب‌ها رایج است. دزدی‌ها و قتل‌ها در هر سو ارتکاب می‌یابد. مردانی که در تصرف دیوها هستند، جان مردان و زنان و کودکان خردسال را می‌گیرند. آدمیان مفتون فساد شده‌اند، و هر نوع شرارت چیره گشته است. دشمن در منحرف ساختن عدالت و در آکنده کردن دل‌های مردم از خواهش سودجویانه خودپرستانه کامیاب شده است. «و انصاف دور ایستاده است؛ زیرا راستی در کوچه افتاده، و راستی نمی‌تواند داخل شود.» اشعیا ۵۹:۱۴. در شهرهای بزرگ، انبوهی در فقر و نکبت زندگی می‌کنند و نزدیک به آن‌اند که از خوراک و سرپناه و پوشاک به کلی محروم باشند؛ حال آنکه در همان شهرها کسانی هستند که بیش از آرزوی دل دارند، در تجمل زندگی می‌کنند، و پول خود را صرف خانه‌های مجلل و آراسته، آذین شخصی، یا بدتر از آن، برای ارضای شهوات نفسانی، بر مشروب، تنباکو، و چیزهای دیگری می‌کنند که قوای مغز را نابود، ذهن را نامتعادل، و جان را پست می‌سازد. فریادهای انسانیت گرسنه به حضور خدا برمی‌خیزد، در حالی که آدمیان با هرگونه ستم و اجحاف، ثروت‌های افسانه‌وار بر هم می‌انبارند.

»در فصل شب فراخوانده شدم تا بناہایی را ببینم کہ طبقہ بر طبقہ بہ سوی آسمان سر برمی آوردند۔ این بناہا بہ عنوان نسوز تضمین شدہ بودند، و برای جلال بخشیدن بہ مالکان و سازندگانشان برپا می شدند۔ این بناہا ہرچہ بیشتر و بیشتر اوج می گرفتند، و در آنها گران بہترین مصالح بہ کار می رفت۔ آنان کہ این بناہا از آن ایشان بود، از خود نمی پرسیدند: "چگونہ می توانیم خدا را بہ بہترین وجہ جلال دہیم؟" خداوند در اندیشہ ہای ایشان نبود۔«

»چونکہ یہ بلند و بالا عمارتیں تعمیر ہوتی گئیں، ان کے مالکین متکبرانہ خود غرض فخر کے ساتھ شادمان تھے کہ ان کے پاس ایسا مال ہے جیسے وہ اپنی خواہش نفس کی تسکین اور اپنے پڑوسیوں کے حسد کو بھڑکانے کے لیے صرف کر سکتے ہیں۔ اس مال کا بہت سا حصہ، جسے انہوں نے اس طرح لگا دیا، جبر و استحصال کے ذریعے، غریبوں کو کچل کر حاصل کیا گیا تھا۔ وہ بھول گئے کہ آسمان میں ہر تجارتی معاملے کا حساب رکھا جاتا ہے؛ ہر ناروا سودا، ہر فریب پر مبنی عمل، وہاں درج ہے۔ وہ وقت آ رہا ہے جب لوگ اپنی فریب کاری اور گستاخی میں ایسی حد تک پہنچ جائیں گے کہ خداوند انہیں اس سے آگے بڑھنے نہ دے گا، اور وہ جان لیں گے کہ یہوواہ کے حلم کی بھی ایک حد ہے۔«

»منظرہای کہ پس از آن در برابر من گذشت، ہشدار از آتش سوزی بود۔ مردان بہ ساختمان ہای بلند و بہ گمان خود نسوز نگریستند و گفتند: "اینہا کاملاً ایمن اند۔" اما این ساختمان ہا چنان سوختند کہ گوی از قیر ساختہ شدہ بودند۔ ماشین ہای آتش نشانی ہیچ کاری برای متوقف ساختن ویرانی نمی توانستند بکنند۔ آتش نشانان قادر بہ بہ کار انداختن ماشین ہا نبودند۔«
Testimonies, volume 9, 12, 13